

فراگرفتن مقدمات ادبیات انگلیسی و طی مدارج دبیرستانی به دانشکده پمبروك در كمبریج رفت و پس از آن که تحصیلات خود را در رشته عربی و فارسی بیابان رسانیده بود سه سالی را در قاهره گذرانید و سپس در ۱۹۳۴ م. وارد سازمانهای دولتی شد. در خلال ۱۹۳۹ و ۱۹۴۵ م. یعنی سالهای جنگ وی همچنان که در اداره سانسور پست و اداره اطلاعات دولت انگلیس کار می کرد سردبیری مجله وزین و مشهور روزنامه نو را نیز بر عهده داشت. در ۱۹۴۴ م. آربری را به سمت استاد زبان فارسی در دانشگاه لندن برگزیدند. دو سال بعد وی به تدریس عربی در همان جا و سپس در ۱۹۴۷ م. به سمت استاد زبان عربی در دانشگاه کمبریج مشغول انجام وظیفه گردید. آربری محقق پرکاری بود چنان که از ۱۹۴۰ تا هنگامی که در دوم اکتوبر ۱۹۶۹ م. درگذشت با وجود انجام يك رشته خدمات و مسئولیت‌هایی که ارتباطی با امور دانشگاهی نداشت دست کم سی رساله و کتاب نوشته و نزدیک به صد مقاله در مجلات وزین ادبی و علمی به چاپ رسانیده بود. از جمله آثار وی رساله‌ای درباره احوال خاورشناسان و کتاب پنجاه غزل حافظ و مجموعه‌ای زیر عنوان اشعار فارسی است که ما درباره هر کدام از این کتابها جداگانه سخن گفته‌ایم.

منابع و توضیحات فصل پانزدهم

- ۱- در باره جزئیات سفرهای ایست ویک ن. ک. به کتاب جغرافیای خراسان از همین مؤلف. صفحه‌های ۷۱ تا ۷۶ و هم چنین ۱۵۱ و ۱۸۰.
- ۲- گلاوین از بسیاری لحاظ یکی از پیشگامان ترجمه بهترین آثار ادبی ایران به انگلیسی است. علاوه بر ترجمه گلستان و تدوین نخستین راهنما و کتاب خواندنی برای نوآموزان که به سال ۱۸۰۰ م در کلکته به چاپ رسید وی ضمناً مترجم سفرنامه خواجه عبدالکریم نامی است که همراه قشون نادر از هندوستان به ایران آمد و به زیارت عتبات رفت. ترجمه گلاوین در ۱۷۸۸ م. در کلکته به چاپ رسیده است.
- ۳- شرحی که وی درباره مدینه نوشته است از صفحه ۳۷۶ جلد اول سفر- نامه وی آغاز می شود.
- ۴- نقل از صفحه ۱۶۱ جلد دوم سفرنامه برتون.

Sir R. Burton. Personal Narrative of a Pilgrimage to Almadinah anub Meccah. by his wife Isabel Burton. London 1898.

فصل شانزدهم

از دانه‌ای تنک مایه تا درختی تناور

در بیان احوال و آثار دنیسون راس و شرحی در باره
مورخان قدیم و جدید

تحصیل در دانشگاه لندن - سفر راس به استر از بورگ - تدریس فارسی در انگلیس - سفر به هند - ریاست دانشکده کلکته - انتشار مهم‌ترین آثار راس - تأسیس دانشکده مطالعات شرقی در لندن - کارهای راس در باره ایران - خدماتش به فرهنگ ما - فضائل و درگذشت وی - دنباله تحقیق درباره تاریخ ایران - هارفورد جونز - جیمس بیلی فریزر - خانواده فرمانفرما - ویلیام مورلی - دیوید شی - جان استیونس - هنت و جورج رالین سون - گرانت واتسون - مارکام - ویلیام کی - نویسندگان کتب راهنمای ایران - تاریخ نادر از ویلیام جونز تا لاکارت - مورخان و نویسندگان تواریخ معاصر - جان پری - بویل - بگلی - ساتن - ایوری - جان مارلو - تاریخ کمبریج - پژوهشهای لمبتون و بازورث - پایان سخن .

(۱۹۴۰ - ۱۸۷۱)

در شرح حال ولادیمیر مینورسکی گفتیم که وی به تشویق دنیسون راس دانشیار زبان و ادبیات فارسی در دانشکده زبانهای شرقی و افریقائی لندن شد و هنگامی که راس به سبب کبر سن از مقام استادی کناره گرفت مینورسکی جانشین وی گردید . اما دنیسون راس بنیادگذار دانشکده زبانهای شرقی و افریقائی لندن که امروزه یکی از بزرگترین و مهمترین مراکز تعلیم و تدریس زبانها و ادبیات مشرق زمین و قاره افریقا است که بود وکی به فکر تأسیس چنین مرکزی افتاد .

ادوارد دنیسون راس^۱ که در تاریخ ششم ژوئن سال ۱۸۷۱ میلادی (تیرماه ۱۲۵۰ خورشیدی) چشم به جهان گشود فرزند دکتر راس^۲ کشیش کلیسای فیلیپ قدیس در کوی فقیر نشین استپنی^۳ از کویهای شرقی

1- Edward Denison Ross

2- Dr A. G. Ross

3- Stepney

شهر لندن بود. ادوارد در کودکی به دبستان محلی و سپس به دبیرستان مالبورو^۱ و سرانجام به یونیورسیتی کالج از دانشکده‌های تابع دانشگاه لندن رفت و چون از آغاز به فراگرفتن زبانهای مشرق زمین علاقه وافری نشان میداد پدرش او را به توصیه دوستان به پاریس و سپس به استر ازبورگ^۲ فرستاد تا در آن جا عربی و فارسی را فراگیرد. پس از چندی که ادوارد جوان در عربی تبحری پیدا کرده و مقدمات دستور زبان و برخی از کتابهای مشهور ادبی زبان فارسی را خوانده بود به انگلستان بازگشت و بزرگترین مشوق فراگرفتن فارسی و عربی در انگلستان گردید.

ادوارد دنیسون راس پس از بازگشت به لندن پنج سالی را از ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۱ میلادی در همان دانشکده‌ای که از آن جا فارغ التحصیل شده بود به تدریس زبان و ادبیات فارسی سرگرم بود. شاید بذریعدهایش دانشکده زبان و مطالعات شرقی و افریقائی دانشگاه لندن در این دوران در ذهن راس کاشته شد زیرا وی به خوبی دریافت که اهمیت فراگرفتن زبانهای شرقی هنوز جز در نظر جوانانی که جوایب شغل در هندوستان بودند و متوجه آن کشور می‌شدند بر توده فارغ التحصیلان معلوم نبود. بهر تقدیر چون در آن ایام تدریس زبان، به ویژه فارسی و عربی طالبان فراوان و درآمدی چشمگیر نداشت خود راس درصدد برآمد تا بخت خویش را در هندوستان بیازماید. از حسن اتفاق همان سال (۱۹۰۱ میلادی برابر ۱۲۸۰ شمسی) دنیسون راس سی ساله به ریاست دانشکده کلکته منصوب گردید.

راس در هندوستان به مطالعات خویش سرگرم شد و ضمن انجام وظایف عادی در دانشکده یاد شده با پشتکار فراوان به فراگرفتن سه زبان سانسکریت، تبتی و چینی کمر همت بست. پیوند وی بامر کرمطالعات و تحقیقات السنه شرقی کلکته ده سال تمام استوار بود تا آن که در ۱۹۱۱ وی به ریاست اداره بایگانی اسناد هند و هم چنین معاونت وزارت فرهنگ انتخاب گردید. از ۱۹۱۱ تا آغاز جنگ جهانی نخست در ۱۹۱۴ میلادی که راس به طیب خاطر هندوستان را ترک گفت پاره‌ای از مهمترین آثار خویش را منتشر ساخت. از آن جمله است دیوان اشعار ترکی و فارسی بایرام خان، مجموعه اشعار ظهیرالدین محمد بابر بنیادگذار سلسله گورکانیان هند، مجموعه‌ای مشتمل بر صورت تطبیقی نامهای پرندگان درسه زبان منچو، چینی و ترکی و بالاخره تاریخ گجرات.

در انگلستان راس دوباره به فکر تدریس و مهمتر از آن ایجاد مرکز مهمی برای مطالعات زبانهای خاوری افتاد؛ اما این نقشه وی تا ژوئن سال ۱۹۱۶ میلادی عملی نگردید. ابتدا چندی وی در بخش نقاشیهای موزه بریتانیا سرگرم بود، و سپس قسمتی از اوقات خویش را به ترجمه و تألیف گذراند تا آمال دیرینه‌اش تحقق یافت. به همت و اصرار وی گروهی دولت را مجبور به پرداخت بهای زمین و ایجاد مرکز مطالعات شرقی کردند. سرانجام ساختمان آماده شد و دولت از کیسه قنوت خود بودجه‌ای در حدود فقط چهار هزار لیره در سال تصویب کرد؛ اما هیچکس تصور نمی‌کرد که مرکز مطالعات شرقی لندن آینده نوید بخشی داشته باشد. برخلاف زعم بسیاری از بدبینان بیست و یکسال بعد که سر دنیسون راس از ریاست دانشکده یاد شده کناره گرفت بودجه سالانه آن دانشکده

نزدیک به ده برابر وعده استادان و مدرسان و دانشیاران آن نزدیک به دوازده برابر شده بود و جالب آن که در اثناء این مدت هفت هزار تن دانشجو از دانشکده زبانهای شرقی و افریقائی فارغ التحصیل شده بودند و امروزه که نزدیک به پنجاه و هشت سال از تاریخ تأسیس دانشکده یاد شده می‌گذرد آن ارقام اولیه بیش از پنجاه برابر شده است.

بیشتر کارهای مهم دنیسون راس، به ویژه آن دسته از آثاری که مربوط به ایران است تعلق به دوران سی سالگی و خلال سی و چهل سالگی وی دارد. نخستین اینهارساله‌ای است در باره آغاز دوران زندگی شاه اسمعیل که به احتمال کلی هنگام نوشتن آن راس به آراء و بیانات استاد شرق شناس آلمانی نلدکه^۱ توجه داشته است. رساله آغاز دوران زندگی شاه اسمعیل^۲ مبنی بر نوشته‌های مؤلف گمنام تاریخ شاه اسمعیل است که ما در جایی دیگر مفصلاً به آن اشاره کرده‌ایم. * (۱) دیگر کتاب راس زیر عنوان قلب آسیاست^۳ که داستان سفر جالب توجه وی به همراهی دوستش ف. ه. اسکرین^۴ در بخش بزرگی از خاک ترکستان و آسیای میانه است. ترجمه تاریخ رشیدی تألیف میرزا حیدر گورکانی (بدستیاری ن. الیاس^۵) و دیباچه جامعی بر یکی از چاپهای انگلیسی رباعیات خیام، ترجمه ادوارد فیتزجرالد، مشتمل بر زندگی نامه حکیم نیشابوری همه تعلق به این دوره زندگی دنیسون راس دارد. قرائنی در دست است که دنیسون راس مدتها در اندیشه تألیف یک دوره تاریخ ایران بود و حتی

1- T. Noeldeke

2- Early Days of Shah Ismail. London, 1896

3- The Heart of Asia

4- F. H. Skrine

5- N. Elias

زمینه را برای چنین کارمشکل و مهمی فراهم ساخته بود؛ اما دشواریهای اداره دانشکده مطالعات شرقی و افریقائی از یکطرف و گرفتاریهای اداری و مالی از طرف دیگر ره بند انجام چنین نقشه‌ای می‌گردید. آن چه راس در مقدمه فاضلانیه خویش بر کتاب اشعاری از دیوان حافظ ترجمه گرترویدیل نوشته است نموداری از این عشق وی به تاریخ است. وی می‌نویسد:

از برای آن که به ارزش تاریخی مقدمه‌ای که گرترویدیل بر ترجمه غزلیهای حافظ نوشته است پی ببریم باید بخاطر داشته باشیم که هنوز تاریخ ایران بعد از اسلام تدوین نشده، و اغلب منابع موجود هنوز به صورت دست نبشته باقی مانده است. معدودی از این گونه نسخ را چاپ کرده‌اند و فقط تعداد انگشت شماری از آنها ترجمه شده است. صرف نظر از اینها تاریخ سلسله‌های کوچک ایران در اثناء سده چهاردهم میلادی یکی از حیران کننده ترین بخشهای تاریخ آن کشور است. تاریخ خاندان آل مظفر که از ۱۳۱۳ تا ۱۳۹۳ م بر فارس و کرمان حکمفرما بودند فقط به طور جسته و گریخته در تواریخ عمومی ایران پیدا می‌شود. * (۲)

اگر دنیسون راس در اجرای نقشه خویش موفق نبود دست کم افتخار کاشتن دانه خردی را داشت که در اثناء نیم سده درخت تناوری گردیده است. کتابخانه کوچکی که وی در دانشکده مطالعات شرقی و افریقائی بنیاد نهاد امروزه مشتمل بر صدها هزار کتاب نفیس فارسی، عربی، ترکی، اردو، سانسکریت، چینی، مالهای، ژاپنی، تبتی و بسیاری از زبانهای زنده افریقائی و یکی از مشهورترین کتابخانه‌های انگلستان

است. در دوران زندگی دنیسون راس و پس از مرگ وی کلکسیون کتابهای نفیس و گرانبهای بسیاری از دانشمندان شرقشناس به کتابهای کتابخانه دانشکده علاوه گردید و امروزه کتابخانه یاد شده حتی به داشتن پاره‌ای از دست‌نوشته‌های زیبای فارسی و مرقع‌های دلپذیر کهنسال مباحی است. صرف‌نظر از کتابخانه دنیسون راس مجله‌ای برای دانشکده بچاپ رسانید که مرتباً همه ساله هر سه ماهی یکبار منتشر شده و نظری به‌مندرجات آن‌گویی نگاهی به فهرست نام مشهورترین ایران‌شناس و خاورشناسان بریتانیاست.

دنیسون راس دوران درخشان خدمت در دانشکده مطالعات شرقی و افریقائی را پس از بیست سال مرارت به سال ۱۹۳۷ م. پایان بخشید و تقریباً گوشه‌انزواگزید. شاید اگر مصلحت‌دید زمامداران و نیاز به دانش راس نبود، وی هرگز در اجتماع دیده نمی‌شد؛ اما به هر تقدیر از آغاز سال ۱۹۳۹ او را بسمت رأین سفارت انگلستان به استانبول فرستادند. در استانبول نخستین فاجعه بزرگ برای راس درگذشت دوران همسرش (آوریل ۱۹۴۰ م.) بود. پنج ماه بعد خود وی در شصت و نه سالگی در همان شهر درگذشت (سپتامبر ۱۹۴۰).

با آن که شهرت دنیسون راس بیشتر مدیون تأسیس دانشکده مطالعات شرقی و افریقائی دانشگاه لندن است اما هرگز نباید فراموش کرد که مسلماً کتابها و رساله‌های وی در باره ادبیات و تاریخ میهن ما او را در شمار نامورترین ایران‌شناسان پنجاه ساله گذشته قرار می‌دهد. برسیاهه بالا بلند آثار وی که پیشتر یاد کردیم باید کتابهای

زیرین را نیز بیفزائیم:

مجاورات به لهجه ترکی شرقی، ترکها از توماس شرلی، هنر و ادبیات خاورزمین، کتاب ایرانیان، ماجرای سفرهای سرآنتونی شرلی، اسلام، و بالاخره تاریخ فخرالدین مبارکشاه.

همه‌دوستان دنیسون راس یکدل و یک زبان گفته‌اند که احاطه وی بر زبانهای عربی، فارسی، ترکی، سانسکریت، چینی و تبتی در هر مجلسی حاضران را دچار حیرت می‌کرد و جاذبه‌ای در شخصیت وی نهفته بود که سردترین طبایع را بسوی خود می‌کشید. یکی از دوستان نزدیکش فضائل وی را در چندین جمله خلاصه کرده است:

دنیسون راس مردی مهربان و خوش دل بود. گرچه زود خشمناک می‌شد اما خشمش دیر نمی‌پایید مگر در نتیجه بی‌انصافی و بی‌رحمی آشکارا و مستمری دیرپائی خشمگین‌شده باشد. . . . چیزهای خوب دنیا را دوست می‌داشت و از خوشی دیگران خوشحال می‌شد؛ اما در میان صفات و فضائل اخلاقی راس آن چه دوستانش همواره به‌خاطر خواهند داشت این است که وی به‌کلی از حسد میرا بود و آنچه از دستش برمی‌آمد برای جویندگان دانش می‌کرد و از پیشرفت آنان به‌همان اندازه لذت می‌برد که از کامیابی خویش شاد می‌شد. * (۳)

بی‌مناسبت نیست پایان این فصل را بر سبیل بزرگداشت دنیسون راس آن علاقه‌مند به تاریخ ایران حصر بر پاره‌ای از مهمترین نوشته‌های تاریخی پژوهشگران انگلیسی کنیم که ثمره کوشش آنان در خلال یکصد و چهل سال گذشته (۱۹۷۳-۱۸۳۳ م.) توده مردم انگلستان و به ویژه دانشجویان را با رویدادهای مختلف تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران آشنا

ساخته است. طبعاً آن چه درین محبت می آید جامع نخواهد بود چه در احوال مردانی چون **اوزلی**، **کوزن**، و **مینورسکی** بیشتر سخن رانده ایم، لذا کوشش ما درین زمینه فقط آشنا ساختن محققان جوان با رئوس کلی مطالب است و بس.

بیشتر گفتیم که انتشار تاریخ ایران **سرجان ملکم** در ۱۸۱۵ میلادی چنان مورد توجه استادان اگسفورد و محافل علمی انگلستان قرار گرفت که ثمره پژوهشهای ملکم را در عهد خود مؤلف «شاهکاری بزرگ» خواندند و تا صد سال پس از انتشار آن تاریخ هنوز اثر ملکم را دقیق ترین و بهترین تاریخی از ایران می دانستند که به یک زبان خارجی نوشته شده است. مسلماً پژوهشهای ملکم راه را برای محققان بعدی هموار ساخت. به علاوه ملکم تنها سیاستمداری نبود که در این راه گام برداشت. در حدود بیست سال پس از انتشار تاریخ وی **سرهارفورد جونز**^۱ سفیر دولت انگلیس در دربار فتحعلیشاه قاجار تاریخ **پادشاهان قاجار** را در دسترس انگلیسی زبانان قرار داد. * (۴) **هارفورد جونز** که ابتدا در دوران پادشاهی **لطیفعلی خان زند** به شیراز آمده بود در عهد پادشاهی فتحعلیشاه از جانب **جورج سوم** برای تهیه پیش نویس پیمان اتحاد میان ایران و بریتانیا به تهران فرستاده شد، * (۵) و دبیر خصوصی این سفیر **جیمس موریه**^۲ معروف است که وی را نویسنده داستان **حاجی بابای اصفهانی** می شناسند. * (۶)

همزمان با انتشار تاریخ قاجاریه به سال ۱۸۳۴ م. کتاب **تاریخ**

1- Sir Harford Jones

2- James Morier

قدیم و جدید ایران^۱ نیز در ادنبورگ بچاپ رسید. در همان اوان نوشته های **جیمس بیلی فریزر**^۲ بازرگان دانشمند مردم انگلیسی زبان را با تاریخ و جغرافیای ایران آشنا می کرد. فریزر که در ۱۸۲۱ م. (۱۲۳۷ ه. ق.) از راه **هرمز**، **بوشهر**، **شیراز**، **قم** و **تهران** به شهر مشهد سفر کرده و خود را به دور دست ترین نقاط **ترکمن صحرا** رسانیده است در باره این سفر کتابی نوشته است که مسلماً باید آن را یکی از معتبرترین و دقیق ترین سندهای جهانگردان بیگانه در باره اوضاع ایران در عهد فتحعلیشاه دانست. هم چنین سفرنامه وی زیر عنوان **سفری در زمستان از قسطنطنیه تا تهران**^۳ که در دومجلد به سال ۱۸۳۸ م. به چاپ رسید حاوی اطلاعات مهم و آموزنده ای است. * (۷) گفتنی است که **جیمس بیلی فریزر** بعد از مرگ فتحعلیشاه مأموریت دیگری نیز داشته است که انجام آن مهم نامش را در تاریخ قاجاریه ثبت خواهد کرد و تذکری در باره آن جریان خالی از فایده نیست.

به دنبال مرگ فتحعلیشاه قاجار یکی از پسران وی **حسین علی میرزا** مشهور به **فرمانفرما** بزیران برادرزاده اش **محمد شاه** که جانشین فتحعلیشاه شده بود سر به شورش برداشت و در شیراز خطبه بنام خویش خواند و سکه بنام خویش زد. بر اثر همکاری میان سردار **محمد شاه منوچهر خان معتمدالدوله** و افسر انگلیسی **لین زی**^۴ * (۸) که در

1- History of Ancient and Modern Persia

2- James Bailie Fraser

3- A winter's journey from Constantino to Tehran.

4- Linsay

خدمت دولت بود شیراز از دست فرمانفرمای بیرون آمد؛ وی و شجاع الدوله برادرش دستگیر و زندانی شدند و فرزندان فرمانفرما که عرصه را بر خود تنگ دیدند متواری گردیدند. چندی پس از آن جریان در تهران شایع شد که سه فرزند فرمانفرما: رضا قلی میرزا، نجفقلی میرزا و تیمور میرزا تحت حمایت دولت انگلیس در لندن زندگی می کنند. چون صحت این خبر به ثبوت رسید علت دیگری بر موجبات شکراب شدن روابط میان دربار قاجاریه و دربار سنت جیمس افزوده گشت. این اختلافات همچنان برجا بود تا مسئله هرات به سود انگلیس پایان گرفت و سرانجام محمد شاه به صلح تن در داد. از جمله شرایط قرار داد میان دولت انگلیس و محمد شاه آن بود که فرزندان فرمانفرما را از انگلستان بیرون کنند و برای اجرای مفاد آن پیمان بود که جیمس بیلی فریزر را مهماندار رضا قلی، نجفقلی، و تیمور میرزا کردند؛ و فریزر آن سه را از راه آلمان و اطریش و عثمانی به کر بلائی معلی برد. ماجراهای آن سفر را برادر مهتر رضا قلی میرزا در سفر نامه اش آورده است.* (۹)

ده سال پس از انتشار کتاب فریزر در سال ۱۸۴۸ م. ویلیام مورلی^۱ کتاب تاریخ اتابکان فارس^۲ و بنی اعمام آنان را باضمام مختصری از رویدادهای دیگر نقاط ایران منتشر ساخت که همه نوشته های او مبنی بر مطالب میرخواند بود. البته ناگفته نماند که پیش از مورلی دو تن دیگر در ترجمه میرخواند دست داشته اند: اولی دیوید شی^۳ بود

- 1- William Morley
- 2- The History of Atabeks of Persia
- 3- David Shea

است که در ۱۸۳۲ م. ترجمه اش را زیر عنوان تاریخ نخستین پادشاهان ایران^۱ در لندن منتشر ساخت. دومی کاپیتان جان استیونس^۲ نام داشت که درست یکصد سال قبل از سر جان ملکم در ۱۷۱۵ میلادی خلاصه ای از تاریخ میرخواند را از متن اسپانیائی به انگلیسی برگردانید و به عنوان تاریخ ایران^۳ انتشار داد.

به هر تقدیر برگردیم به تقاریم محمد شاه و دولت انگلستان. درباره این موضوع یعنی اختلاف ایران و بریتانیا بر سر هرات و سیاست کوسه و ریش پهن انگلیسها در مورد روابط میان ایران و افغانستان و همچنین تاریخ عمومی ایران و دوران پادشاهی محمد شاه و ناصرالدین شاه، در فاصله ۱۸۵۰ م و ۱۸۸۰ م. (۱۲۲۹ تا ۱۲۵۹ خورشیدی) چندین کتاب بچاپ رسید که دست کم ذکر عناوین و نویسندگان آنها ضروری است.

اول - کتاب جنگ انگلیس و ایران بر سر هرات است نوشته کاپیتان هنت^۴ که با وجود پاره ای از داوریهای یک جانبه نویسنده، سند مغتنم و با ارزشی بشمار می آید. این کتاب برای نخستین بار به سال ۱۸۵۷ م. (برابر ۱۲۳۶ خورشیدی و ۱۲۷۳ ه. ق.) در لندن بچاپ رسید و ترجمه ای از آن زیر عنوان جنگ انگلیس و ایران از طرف مجله وزین و پربهای یادگار به سردبیری عباس اقبال در تهران منتشر

- 1- History of the early Kings of Persia
- 2- Captain J. Stephens
- 3- History of Persia
- 4- Outram and Havelock, s-Persian Campaign by Captain G. H. Hunt

گردید .

دوم - کتاب تاریخ پنج سلطنت بزرگ مشرق زمین^۱ است تألیف جورج رالین سون برادر هنری رالین سون شهیر * (۱۰) در چهارمجله که در خلال سالهای ۱۸۶۲ تا ۱۸۶۷ میلادی در لندن به چاپ رسید . غرض رالین سون از پنج سلطنت یا حکومت موناشری مشرق زمین کلد، آشور، بابل، ماد و پارس است . به دنبال همین پژوهشها وی در ۱۸۷۳ ششمین موناشری را که دوران حکمرانی اشکانیان است مورد بحث علیحده ای قرار داده است .

سوم - کتاب تاریخ ایران تألیف رابرت گرانٹ واتسون^۲ که در مقام قیاس هرگز بیای تحقیقات ملکم و سایکس و مورخان بعدی نمی رسد و تاکنون دوبار به فارسی ترجمه شده است . * (۱۱) این کتاب برای نخستین بار به سال ۱۸۶۶ م . (برابر ۱۲۴۵ خورشیدی و ۱۲۸۳ ه . ق .) در لندن به چاپ رسید .

چهارم - کتاب تاریخ عمومی ایران تألیف مارکام^۳ است که چندان ارزش علمی ندارد . این کتاب ابتدا در ۱۸۷۰ میلادی زیر عنوان^۴ در لندن انتشار یافت و چهار سال بعد تجدید چاپ شد .

پنجم - کتاب تاریخ جنگ در افغانستان نوشته سر جان ویلیام -

- 1- The Five Great Monarchies of the ancient Eastern World. By George Rawlinson. 4 vols .
- 2- A History of Persia by Grant Watson
- 3- C. R. Markham
- 4- A General Sketch of the History of Persia .

کمی^۱ مؤلف زندگی نامه سر جان ملکم معروف است :

در این کتاب تاریخ جنگ افغانستان که در سه مجلد به سال ۱۸۷۸ م . (۱۲۵۷ خورشیدی برابر ۱۲۹۵ ه . ق .) در لندن به چاپ رسید ویلیام کی دلایل و موجبات اختلاف میان ایران و انگلیس، دعاوی دولت ایران بر خاک هرات و جزئیات جنگی که در هرات در گرفت، تغییر خط مشی سیاسی انگلیس، عهد شکنی ها و برادر کشی های شاهزادگان افغانی را به تفصیل بیان می کند . * (۱۲)

صرف نظر از آن چه گفتیم در فاصله سالهای ۱۸۴۵ تا ۱۹۱۰ یعنی در عرض شصت و پنج سالی که پژوهش در باره تاریخ ایران قوت گرفت و علاقه مردم عادی انگلیس به ایران افزوده گشت چندین راهنما و تاریخچه درباره ایران و ایرانیان منتشر گردید که مادر این جا به ذکر مهمترین آنها بسنده می کنیم :

۱- در ۱۸۴۵ کتاب گلزار ایران نوشته ل . س . کوستلو^۲ :

۲- در ۱۸۵۰ کتاب کشور و مردم ایران نوشته جان کیتو^۳

در دومجله :

۳- در ۱۸۷۴ راهنمایی زیر عنوان ایران قدیم و جدید نوشته

ج . پیگوت^۴

- 1- History of the War in Afghanistan by Sir John William Kaye .
- 2- Costello. L. S. The Rose Garden of Persia
- 3- J. Kitto The Country and People of Persia
- 4- Piggot. J. Persia - Ancient and Modern.

- ۴- در ۱۸۸۷ کتاب کاتالوگ سکه های شاهان ایران با توضیحاتی درباره آنها نوشته استانیلی پول^۱
- ۵- در ۱۸۹۱-۴ ترجمه روضه الصفا، از ادوارد رهاتسک^۲ در پنج مجلد.
- ۶- در خلال ۱۸۹۱-۲ کتاب تاریخ و نژاد نگاری مکران نوشته توماس هولدیچ^۳ :
- ۷- در ۱۸۹۴ مجدداً از محقق انگلیسی استانیلی لین پول کتاب طبقات اسلام^۴ که به فارسی ترجمه شده است.
- ۸- در ۱۹۰۵ کتاب مطالعاتی درباره ایران باستان. نوشته گرشاسب یکی از زرتشتیان مقیم هندوستان^۵.
- ۹- در ۱۹۱۰ از بانو الایسایکس کتاب مختصری در باره ایران و ساکنان کشور ایران^۶ :
- از شخصیت‌های مهم تاریخ ایران بعد از اسلام تا کنون دو تن یعنی نادر شاه و کریم خان زند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. دکتر

- 1- Pool R. S. Catalogue of coins fo the Shah,s of Persia ... in the British Museum 1887
- 2- The Rauzat-as-Safa or Garden of purity. Tran by E. Rehatsek 5 vols 1891-4
- 3- Holdich, T. H. History and ethnography of Makran
- 4- Lane-Poole, Stanley. The Mohammadan dynasties
- 5- Kershasp. P. Studies in ancient persian history 1905
- 6- Sykes, Ella C. Persia and its people .

لارنس لاکارت^۱ ایران شناس که مدتها از دانشیاران بخش شرقی دانشگاه کمبریج بود مسلماً نخستین دانشمند انگلیسی زبان نیست که درباره نادرشاه دست به تألیف زده باشد. در سال ۱۷۳۲ میلادی یعنی درست دو سده پیش از آن که لاکارت به فکر نادرشاه افتاده باشد کتاب فریزر زیر عنوان تاریخ نادرشاه یا طهماسب قلی خان پیشین^۲ در لندن منتشر گردید. این تاریخ که ترقی طهماسب قلی خان و ظهور وی را به نام نادرشاه و به ویژه جریان فتح دهلی را دقیقاً توصیف می کند مشتمل بر چندین نامه نادرشاه خطاب به رضا قلی میرزا فرزند آن پادشاه و هم چنین نامه‌های متعددی است که میان دربار ایران و دهلی رد و بدل گردیده است. درست یکصد و هفتاد و شش سال پس از فریزر دانشمند و پژوهشگر انگلیسی مور تیمر دوراند کتاب خویش را در بیان احوال نادرشاه منتشر کرد. این کتاب که در ۱۹۰۸ میلادی در لندن چاپ شد نادر شاه^۳ عنوان دارد. مطالب مندرج در کتاب مور تیمر دوراند اقتباسی از ترجمه جوتز یعنی دره نادره میرزا مهدی خان منشی و چکیده پاره‌ای از مطالب تاریخ فریزر و ظاهراً پاره‌ای از مطالب مؤلفان فرانسوی است. بیست و شش سال پس از انتشار کتاب نادرشاه تألیف مور تیمر دوراند محقق بزرگ مینورسکی با توجه به مؤلفات پیشین، در رساله‌ای پیشنهاداتی برای طرح زندگی و جنگهای نادرشاه ارائه داد

1- Dr. Lawrence Lockhart

2- The history of Nadir Shah, formerly called Thomas Kuli Khan, by J. Fraser.

3- Nadir Shah by Mortimer H. Durand

که آن رساله درپاریس زیر عنوان^۱ به سال ۱۹۳۴ م به چاپ رسید .
لارنس لاکارت پیشنهاداتی را که مینورسکی در رساله اش مطرح ساخته
بود به طرز جالب توجهی بکار بست و حاصل پژوهش های خویش را به سال
۱۹۳۸ منتشر کرد که تاکنون از آن کتاب به عنوان جدیدترین مرجع
خارجی استفاده می شود . اما شهرت لارنس لاکارت مدیون کتابی است که
بیست سال بعد درباره برافتادن سلسله صفویه و غلبه افغانها بر ایران در
کمبریج منتشر ساخت^۲ .

این کتاب با تمام نقائصی که دارد مسلماً جامع ترین و مفصل ترین
کتابی است که تاکنون درباره علل انقراض صفویه و غلبه افغانها بر
ایران به زبان انگلیسی نوشته شده است . * (۱۳) به عقیده مؤلف، پایان
نامه درجه دکترای دکتر پری^۳ که اکنون در دانشگاه سنت آندروز^۴
در اسکاتلند بتدریس سرگرم است به هیچ رودست کمی از کتاب لاکارت
ندارد . دکتر پری دوران باشکوه پادشاهی کریم خان زند را موضوع
کتاب خود قرار داده است و ثمره پژوهشهایش که هنوز بیچاپ نرسیده
است مسلماً بسیاری از نکات تاریک تاریخ زندیه را روشن ساخته
است . امید است که این کتاب دوست دانشمندان ماهمین که در انگلستان
به زیور چاپ آراسته شد بزبان فارسی ترجمه و چاپ گردد .

1- Esquisse d'une histoire De Nadir Shah .

2- The Fall of the Safavi Dynasty and the Afghan
Occupation of Persia. Cambridge 1958 .

3- Dr J. Perry

4- St, Andrews

گروهی از اساتید و دانشیاران دانشگاههای مختلف انگلستان
نیز در خلال سی ساله گذشته از راه ترجمه و تألیف کمک های گرانبهایی
به نشر و اشاعه تاریخ ایران اعم از قدیم و جدید کرده اند که نمی توان
فقط با چند کلمه ای ارزش پژوهشها و کوشش های آنان را ستود؛ اما به سبب
آن که مبادا سخن بدر از ازشکاید باید درباره آنها به جمله ای چند بسنده
کنیم . جان بویل^۱ استاد تاریخ ایران در دانشگاه منچستر که
تاریخ جهانگشای جوینی را به انگلیسی ترجمه کرده و شهرتش مدیون
ترجمه آن کتاب است * (۱۴) و فرانک بگلی^۲ مترجم و گردآورنده
مطالب کتاب مبسوط و مفصل جهان اسلام^۳ لارنس اول ساتن^۴ استاد زبان
فارسی در ادنبرگ که تألیفات عدیده دارد؛ و پیتر اوری^۵ استاد زبان
و ادبیات فارسی در کمبریج که صاحب جدیدترین کتب تاریخ معاصر
ایران است فقط چند تنی از آن دسته بشمارند که در انگلستان برای
شناساندن و روشن ساختن نکات تاریک تاریخ ماکوشش ورزیده اند .

کتاب جهان اسلام را فرانک بگلی بر اساس نوشته های محقق
آلمانی برتولد اشپولر^۶ و چند تن دیگر از پژوهشگران آلمان تألیف
کرده است . طرح کلی کتاب در چهار مجلد در نظر گرفته شده که تاکنون
مجلدهای اول و دوم و سوم آن منتشر گردیده و چهارمی هنوز در شرف
تکوین است . نخستین مجلد زیر عنوان عصر خلفاء^۷ از متن آلمانی برتولد

1- John Boyle

2- F. C. Bagley

3- The Muslim World

4- Lawrence Elwell Sutton

5- Peter Avery

6- Bertold Spuler

7- The Age of the Caliphs

اشپولر ترجمه شده است که نخستین بار در سال ۱۹۶۰ م. بچاپ رسید. درین مجلد مترجم با امانت کامل از متن آلمانی پیروی کرده است و پس از تاریخ دوره جاهلیت و زندگی اقوام تازی پیش از ظهور اسلام به زندگی پیامبر و خلفای راشدین، امویان و عباسیان، و بالاخره کشورگشائی‌های مسلمانان و توسعه دامنه نفوذ آنها در سرزمین‌های شمالی افریقا و کشور اسپانیا می‌پردازد. مجلد دوم زیر عنوان دوره مغولان^۱ نیز نوشته دانشمند ایران شناس و محقق بزرگ آلمانی اشپولر است که نخستین بار در آغاز نیمه دوم سده میلادی حاضر زیر عنوان مغولان ایران^۲ در برلن به چاپ رسید. مینورسکی در نقد این کتاب مقاله بسیار مفصلی دارد که به شیوه محققانه خود آن استاد، به‌غایت ژرف و شکافانه نوشته شده است.

تاریخ مغولان در ایران داستان غلبه اقوام مزبور بر جهان مسلمانان و تأسیس سلسله‌های ترک در آسیای میانه، ایران، هندوستان، روسیه و بالاخره مهم‌ترین رویدادهای سیاسی و تحولات اجتماعی آسیا در خلال سده‌های هفتم و هشتم هجری است. به دنبال آن کتاب مجلد سوم زیر عنوان آخرین امپراتوریهای بزرگ مسلمانان^۳ اقتباس و ترجمه‌ای از کتاب تحولات در سرزمینهای اسلامی^۴ است که بر آن چند تنی از محققان، منجمله خود اشپولر، درباره آخرین سصد سال استقلال

- 1- The Mongol period
- 2- Die Mongolen in Iran
- 3- The Last Great Muslim Empires
- 4- Geschichte der islamischen Lander

در آسیای مرکزی، و مترجم کتاب فرانك بگلی نیز فصلی در باره مصر و کشورهای شرقی عرب‌زبان در سید سال اول دوران فرمانروائی عثمانیان افزودند از این دو گذشته پروفیسور هلموت براون^۱ محقق دیگر آلمانی در این کتاب فصلی درباره دوران صفویه و تحولات اجتماعی و سیاسی ایران دارد که خواندن آن فصل بر هر کسی که علاقه‌مند به پژوهش در باره فرمانروائی صفویان باشد حتم است. در نظر دارند همین روش را در چهارمین مجلد زیر عنوان دوره‌های نوین^۲ با کمک فکری چند تنی از محققان آلمان از آن جمله اشپولر و براون به‌کار بندند.

به هر تقدیر فرانك بگلی استاد زبان فارسی در دانشگاه دارام^۳ علاوه بر گردآوری و ترجمه این نوشته‌های سود بخش وارزنده خود نیز صاحب رساله‌ها و مقاله‌های چندی درباره اوضاع ایران جدید، مسائل فرهنگی، قانون حمایت خانواده و بالاخره رابطه دین و حکومت ایران در عصر حاضر است. * (۱۵) اما درباره اوضاع ایران معاصر از سه مؤلف دیگر باید نام برد که هر کدام درین باره صاحب تاریخی به زبان انگلیسی‌اند. ازین سه تن نخست از لارنس الول ساتن^۴ استاد زبان فارسی در دانشگاه ادنبورگ یاد می‌کنیم که مؤلف دستور زبان فارسی^۵ و تاریخ ایران جدید^۶ است که آن را در سال ۱۹۴۱ در لندن منتشر ساخت. درین کتاب مؤلف ابتدا از وضع جغرافیائی، بخشهای مختلف، منابع طبیعی، و ویژگیهای اخلاقی و نژادی ایرانیان بحث می‌کند و

- 1- Hellmut Braun
- 2- Modern Times
- 3- Durham
- 4- Laurence p. Elwell Sutton
- 5- A Persian Grammer
- 6- Modern Iran

به تفصیل نفوذ تمدن غربی را در ایران مورد مطالعه قرار می‌دهد و سپس در پنج فصل آخر کتاب از پیدایش دودمان پهلوی، بنیادهای اقتصادی، تحولات فرهنگی، و اجتماعی و مناسبات ایران با دولتهای بیگانه در اثناء پنجاه سال گذشته و بالاخره موقعیت ایران در جهان سخن می‌راند. کتاب استاد الول ساتن نسبت به دیگر کتابهای همانند از این مزیت برخوردار است که حواشی و تعلیقات فراوان دارد، از آن جمله مؤلف در حواشی خود متن قانون اساسی و متمم قانون اساسی ایران، * (۱۶) لایحه مربوط به کارخانه‌ها و بالاخره متن پیمان سعدآباد را ترجمه کرده است. این مؤلف صاحب کتابهای دیگری از جمله راهنمای شهرهای ایران و نفت ایران^۱ و پژوهشهایی درباره داستانهای ایرانی نیز هست که درجائی دیگر از آنها یاد خواهیم کرد.

دومین کتابی که اوضاع معاصر ایران را برای مردم انگلیسی زبان تشریح کرده است * (۱۷) ایران، راهنمای سیاسی مجملی نوشته جان مارلو^۲ است که در سال ۱۹۶۲ جزو سلسله انتشارات پل مل پرس^۳ در لندن منتشر گردید. این کتاب که از ایران جدید الول ساتن مختصرتر است تقریباً در همان زمینه از جغرافیا و مشخصات اقلیمی، اخلاق و نژادها، سپس از جریان رویدادهای سیاسی در جنگ اول جهانی، انقلاب مشروطیت، شرح حال بنیانگذار دودمان پهلوی رضا شاه بزرگ، هجوم متفقین بر ایران، تشکیل جبهه ملی و روش ایران نسبت به کشورهای

1- Persian Oil

2- Iran, A short political Guide. By John Marlow

3- Pall Mall press

غربی بحث می‌کند و مقدمه مفید و جامعی برای آشنا ساختن انگلیسی زبانان علاقه‌مند به اوضاع کشور ماست. جان مارلو نام مستعاری است که این مؤلف در مورد دیگر تألیفات خویش از آن جمله کتاب خلیج فارس در سده بیستم^۱ و زندگی نامه مفصل سر آرنولد ویلسون^۲ نیز بکار برده است.

سومین و جدیدترین کتاب درباره تاریخ معاصر ایران بمانند کتاب الول ساتن ایران نوین^۳ عنوان دارد و نوشته پیتر ایوری^۴ استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه کمبریج است که ما در مبحث ترجمه غزلیات حافظ به‌وی اشاره کرده‌ایم. این کتاب در سال ۱۹۶۵ میلادی منتشر گردید.

در پایان این مقال از انصاف بدور است که سخن را در باره این موضوع پایان آوریم و از کتاب تاریخ ایران که در خلال چند ساله گذشته به همت دانشگاه کمبریج تدریجاً به چاپ می‌رسیده است چشم پوشیم.

دانشگاه کمبریج در تهیه و تدوین تاریخ، پیشینه هفتادساله‌ای دارد که این هفتاد سال تجربه مسلماً شعبه انتشارات آن دانشگاه را از دیگر دانشگاهها و مراکز علمی و پژوهشی بریتانیا ممتاز می‌سازد. از آغاز روش کار دانشگاه یاد شده در تألیف تاریخ مبنی بر همکاری و تبادل آراء

1- The Persian Gulf in the Twentieth Century

London 1962 .

2- Sir Arnold Wilson

3- Modern Iran

4- Peter Avery

میان پژوهشگران، خواه انگلیسی، یا غیر انگلیسی بوده است. هر يك از انتشارات چندجلدی این دانشگاه معمولاً هیئت تحریریه و امنائی داشته است که به کوشش وزیر نظر آنها نوشته‌های متخصصان و ویژه کاران يك رشته پژوهشی گردمی آمده، باهم تلفیق می شده، و بالاخره مطالب چاپ شدنی به چاپخانه فرستاده می شده است. این روش همکاری علمی که مزایای بسیار دارد و از بخت بد از معایب نیز خالی نیست تا کنون در مورد مفصل ترین و جامع دوره‌های تاریخ باستان، سده‌های میانه، ادبیات انگلیسی، تاریخ اقتصادی اروپا، تاریخ هندوستان، تاریخ اسلام، و غیره بکار بسته شده است.

فکر نشر تاریخ ایران با همان روش یاد شده در خلال سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۵ تدریجاً قوت گرفت و سرانجام شورائی مرکب از هفت تن برای نظارت در این کار نامزد گردیدند از این قرار: پروفیسور آربری^۱ استاد زبان و ادبیات عربی در کمبریج، سرهارولد بیللی^۲ استاد بازنشسته و محقق زبان ختنی و متون باستانی، جان بویل^۳ استاد تاریخ در دانشگاه منچستر، بزیل گری^۴ مینیاتورشناس و کارمند موزه بریتانیا، پروفیسور لمبستون^۵ استاد زبان و تاریخ و ادبیات فارسی در دانشکده مطالعات شرقی و افریقائی دانشگاه لندن و بالاخره پیتر ایوری^۶ استاد دانشگاه کمبریج.

جلد اول تاریخ ایران از نشریات دانشگاه کمبریج در دهم اکتوبر

1- A. J. Arberry

2- Sir Harold Bailey

3- J. A. Boyle

4- Basil Gray

5- A. K. S. Lambton

6- Peter W. Avery

سال ۱۹۶۸ زیر نظر پروفیسور فیشر^۱ با همکاری بیست تن از محققان منتشر گردید. این مجلد بواسطه اغلاط زیادی که داشت در ایران و خارج فراوان مورد انتقاد قرار گرفته است. مؤلف که خود یکی از منقدان بوده است باید بر سبیل توضیح در اینجا تصریح کند که نقد آن کتاب نفی کوششهای ارزنده محققان نبوده است. * (۱۸) بدبختانه علاوه بر اشتباهات فراوانی که در فصل جغرافیای طبیعی وجود دارد در فصل مربوط به شخصیت ایران نتیجه گیریهای بسیار خنده آوری دیده می شود.

جلد پنجم تاریخ که مربوط به دوران سلجوقیان و مغولان است به ویژه پاره‌ای از فصول آن حاوی اطلاعات مهمی است که ترجمه آنها به دانش پژوهان ایرانی کمک فراوان خواهد کرد. از آن جمله است فصل محققانه پروفیسور لمبتون در باره بنای داخلی امپراطوری سلجوقیان^۲. خانم لمبتون درباره این موضوع از همه جهت صلاحیت دارد به ویژه که پایان نامه درجه دکترای خویش را اختصاص به سازمان داخلی قلمرو سلجوقیان داده بوده است. دیگر نخستین فصل کتاب از پژوهشگر انگلیسی پروفیسور بازورث^۳ است در باره اوضاع سیاسی و حکمرانان سرزمین ایران در خلال دوسده از هزاره میلادی تا ۱۲۱۷م. پروفیسور بازورث استاد دانشگاه منچستر صاحب مقاله‌های فراوانی در باره جنبه‌های مختلف تاریخ ایران و صاحب کتاب ایران و اسلام^۴ است.

1- W. B. Fisher

2- The Internal Structure of the Saljug Empire

3- C. E. Bosworth

4- Iran and Islam

که به سال ۱۹۷۱ درلیدن بچاپ رسید .

دیگر مجلدات این کتاب به ترتیب درباره دوران ماقبل تاریخ، دوران سلوکیدها، اشکانیان و ساسانیان، دوران هجوم و تسلط تا زبان بر ایران تا زمامداری سلجوقیان، دوران پادشاهی تیموریان و صفویان، سده هجدهم میلادی تا زمان حاضر، و بالاخره خلاصه‌ای از بررسیهای تاریخی، یادداشت‌هایی درباره فرهنگ توده، فهرست‌ها و نامهای کسان و جای‌ها خواهد بود .

منابع و توضیحات فصل شانزدهم

۱- درباره این دست نوشته که ابتدا پروفیسور ادوارد براون به آن اشاره کرده مؤلف این کتاب در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران خود کرا را از آن نام برده است . از این تاریخ دو نسخه خطی وجود دارد که یکی در کتابخانه دانشگاه کمبریج و جز و کتب اهدائی پروفیسور براون است و دیگری درموزه بریتانیا . حدس میزنیم که مؤلف تاریخ باید آدمی بیژن نام باشد زیرا جائسی درحاشیه کتاب وی از خودش نام برده است اما بدبختانه در صحافی نسخه موزه بریتانیا چند کلمه‌ای از جلو نام ازین رفته است و میتوان تصور کرد که همه یا بخشی از نام مولف بیژن بوده است .

۲- ن . ک . به ص ۱۵ اشعاری ازدیوان حافظ ترجمه‌گر ترودبل ،

۳- نقل از نوشته پروفیسور ر . ل ترنر صفحه ۷ مقاله روزگارانو . ج اول

شماره ۳ زمستان سال ۱۹۴۱ . لندن .

۴- این تاریخ درحقیقت ترجمه‌ای است از کتاب مآثر سلطانیه نوشته شاعر و دانشمند آن عهد عبدالرزاق بیک دنبلی متخلص به مفتون که آن را سرهار فوردرجونز به کمک دانشمندانگلیسی موسوم به دیویدشی David Shea ترجمه کرد و تاریخ انتشار آن درلندن سال ۱۸۳۳ م . بود . عنوان کتاب بانگلیسی The History of Qajars است .

۵- برای آگاهی ازمتن قرارداد باید به تواریخ دوره قاجاریه رجوع کرد ازجمله روضة الصفا ومرآت البلدان و جلد دوم ناسخ التواریخ لسان الملك سپهر . همچنین ن . ک . به سفرنامه آجودان باشی و حواشی محمد مشیری در آن کتاب .

۶- برای آگاهی به جزئیات سفرهارفوردرجونز وعلل آن سفر و معاهده اتحاد میان بریتانیا و ایران ن . ک . به جغرافیای تاریخی گیلان ، مازندران و آذربایجان . تألیف ابوالقاسم طاهری صفحات ۱۱۰ ، ۱۱۹ و ۱۱۴-تهران سال ۱۳۴۷ .

۷- ن . ک . به همان کتاب و جغرافیای تاریخی خراسان ازهمین مؤلف زیر نام جیمس بیلی فریزر درباره سفرهای این جهانگرد انگلیسی در نقاط مختلف ایران .

۸- این مرد که قامتی بنفایت بلند و سینه‌ای ستبر داشت بگفته سرجان ملکم در ایران به رستم ثانی مشهور شده بود . لین زی در خدمت ارتش ایران بمقام شامخی نائل آمد و چندی در تبریز مشاور عباس میرزا نایب السلطنه بود .
۹- سفرنامه رضا قلی میرزا را اصغر فرما نفرمائی در سلسله انتشارات دانشگاه تهران منتشر ساخته است .

۱۰- جورج رالین سون درباره تاریخ خاور زمین و مونارشیهای شرق تا مدت نزدیک به صدسال حجت بوده است . این مرد برادر هنری رالین سون است که مافصلی را به او اختصاص داده ایم . شادروان مشیرالدوله محقق بزرگ ما اشتباهاً یکی دو جا در تاریخ ایران باستان خویش تاریخ مونارشیهای مشرق زمین را به هنری رالین سون نسبت داده است . ن . ک . به صفحه ۱۵۶۸ کتاب ششم ایران باستانی (دوره مقدونی و یونانی) که در آنجا از رالین سون و کتاب پنج دولت بزرگ دنیای شرقی یاد میکند و در پای همان صفحه نام مؤلف کتاب یاد شده سر هنری رالین سون قید گردیده که برادر جورج رالین سون مؤلف بوده است .
۱۱- ترجمه اولی از غلامعلی وحید مازندرانی است که در گردانیدن متن رعایت امانت را کرده است و ترجمه دومی از عباسقلی آذری است که بر روی هم چندان مطابقتی با اصل کتاب ندارد .

۱۲- ن . ک . به کتاب جغرافیای تاریخی خراسان نوشته مولف همین کتاب در مبحث از جنگ هرات تا قحطی سال ۱۲۸۸ ه . ق .
۱۳- نخستین کسی که ابتدا درباره تحولات ایران در دوران سقوط صفویه و غلبه افغانها مطالبی منتشر ساخت بازرگان انگلیسی جوناس هنوی Jonas Hanway بود که به سال ۱۷۵۳ میلادی سفرنامه خود را در چهار مجلد بزرگ در لندن منتشر کرد . مسلماً کتاب هنوی از لحاظ منبع برای آگاهی از پیشینه تاریخی بازرگانی انگلیس و گشایش آن راه از روسیه و دریای خزر بسیار معتتم است .
۱۴- بخش اول تاریخ جهانگشای جوینی را بطور خلاصه پروفیسور ادوارد براون به انگلیسی ترجمه کرده و با مقدمه‌ای بسال ۱۹۱۳ میلادی در سری کتابهای چاپ اوقاف گیپ به چاپ رسانیده است .

۱۵- ن . ک . به مقاله مفصل وی درباره دین و حکومت در ایران نوین مبنی بر خطابه‌ای که وی در کنفره خاورشناسان در بروکسل (سی ام ماه اوت تا

ششم سپتامبر ۱۹۷۰) ایراد کرد و در مجموعه Correspondance D' orient زیر شماره ۱۱ چاپ شده است .

۱۶- نخستین کسی که متن فارسی قانون اساسی ایران را به انگلیسی ترجمه کرد ج . پ . چرچیل دستیار وزیر مختار انگلیس در تهران بود که بسال ۱۹۰۶ م . متن فارسی قانون یاد شده را به همراهی ترجمه انگلیسی آن در تهران بچاپ رسانید . ن . ک . به

Constitution persian text and an English translation by
G . p. Churchill ,
Tehran 1906 .

۱۷- در اینجا طبعاً به نویسندگان و پژوهشگران انگلیسی نظر داشته‌ام والا دو کتاب در همین زمینه به انگلیسی بچاپ رسیده که از مؤلفان آمریکائی است . نخست کتاب ایران ، تحول سیاسی در جامعه‌ای متغیر .

Iran political Developement in a Changing Society 1962 .
نوشته لئونارد بایندر Leonard Binder استاد دانشگاه کالیفرنیا و دوم کتاب ایران ، گذشته و حال . 1958 .
نوشته دونالد ویلبر Donald wilber استاد دانشگاه پرینستون نیوجرسی
princeton New Jersey

۱۸- ن . ک . به مقاله مولف این کتاب در مجله راهنمای کتاب (شماره - های ۳ و ۴ سال دوازدهم ، خرداد و تیر سال ۱۳۴۸ خورشیدی ، تهران) که پاره‌ای از اشتباهات مهم جلد اول بویژه فصول مربوط ب جغرافیای طبیعی و شخصیت ایران را خاطر نشان ساخته است .

فصل هفدهم

زبان دانای راز

در بیان ترجمه دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ

نخستین ترجمان حافظ - تاماس هاید و ادیان باستانی ایران -
رویج کی و ویلیام جوتز - جان ریچارد سون - کتاب نمونه‌های از اشعار
فارسی - تاماس لا - جان نات - جان هیندلی - ترجمه‌های هرمان بیکنل -
ادوارد هنری پالمر - دیوان جارت کنل و یلبر فورس کلارک - ترجمه آزاد
مکارتی - گرترود بل - نامه‌های بل - سفر به ایران - ترجمه غزلهای حافظ -
گرترود بل و محیط عصر حافظ - براون و بل - عشق گرترود بل به متنبی -
والتر لیف - آرای لیف درباره غزل حافظ - جان پین و انجمن ادبی ویون -
نخستین ترجمه کامل دیوان - ریچارد لوگالی بن - لوگالی بن و ترجمه
حافظ - گران مرینک - انجمن ایران و حافظ - الیزابت بریجز - اوبارد
و نیکلسون - روش نیکلسون در ترجمه - روبن لوی - مسعود فرزاد -
نظر فرزاد در ترجمه حافظ - استالارد و آربری - ایوری و هیث استابز -
فرضیه‌های ویکنس در ترجمه غزلهای - پایان سخن .

از روزی که ادبای انگلستان با ادبیات فارسی آشنا شدند و به عمق
افکار و سخنان شیوای شعرای ایران پی بردند حافظ شیرین سخن،
سرآمد غزل‌سرایان کشور ما بیش از دیگران مورد توجه و تحسین اهل
ادب قرار گرفت . در شرح حال ویلیام جوتز مشهور به جوتز ایرانی
دیدیم که چگونه پژوهش در منظومه‌های حافظ و کوشش برای گردآیدن
غزلهای شیوای وی به انگلیسی از نیمه سده هفدهم میلادی آغاز شد و
تا به امروز هیچ عهدی را نمی‌توان سراغ گرفت که دست کم یکی دو
تن از فضایی انگلیس و شیفتگان زبان فارسی در آن کشور در صدد
ترجمه چند غزلی از دیوان خواجه بر نیامده باشند . از بسیاری لحاظ
غزلهای حافظ به منظومه‌های شاعر همسنگ وی در ایتالیا دانتته می‌ماند
و به همان سان که اشعار دانتته ترجمه ناشدنی است گردآیدن غزلهای
حافظ نیز به هر زبانی، و از آن جمله به زبان انگلیسی اگر هم ترجمه
شدنی باشد کار سترگی است که راستی مرد میدان بلاغت می‌خواهد : و

در میان همه ترجمه‌هایی که از حافظ شده است فقط غزل‌های انگشت شمار چندتنی از انگلیسی‌زبانان را می‌شناسیم که بر آنها نام ترجمه‌غزل حافظ می‌برازد.

تا آن جا که دانسته شده است نخستین استاد انگلیسی که با غزل‌های خواجه آشنا شد و به ترویج آنها کمر همت بست تاماس هاید^۱ استاد زبان عربی و عبری در آگسفورد بود. هاید به سال ۱۶۳۶ میلادی (۱۰۴۶ ه. ق.) در نزدیکی شهر بزیچ پورت^۲ در ایالت شراب‌شر^۳ بدنیآ آمد. پدرش اسقف آن محل و با زبان‌های شرقی، به‌ویژه عربی و فارسی آشنا بود و تاماس جوان عربی و فارسی را نزد وی فرا گرفت، سپس به دانشگاه کمبریج رفت و شاگرد استاد ویل کاک^۴ از عربی‌دان‌های مشهور سده هفدهم میلادی بود. در ۱۶۵۸ م. که تاماس بیست و دو ساله بود به دانشگاه آگسفورد رفت و مدرس زبان عبری در آن جا شد و در آگسفورد بود که جداً به خواندن ادبیات فارسی و اشعار حافظ گرایش پیدا کرد. در دوران پادشاهی چارلز دوم، جیمس دوم و ویلیام سوم وی ترجمان رسمی زبان‌های شرقی در دربار انگلیس بود. هنگامی که تاماس هاید در آگسفورد تدریس می‌کرد چندی مدیر کتابخانه مشهور بادلیان بود. هموزیچ الیغ بیگ را به انگلیسی ترجمه و به سال ۱۶۶۵ در آگسفورد منتشر کرد. هاید مؤلف کتاب معروف دیگری است به لاتینی زیر عنوان تاریخ ادیان باستانی ایران^۵ که پنج سال پس از انتشار

- 1- Thomas Hyde
- 2- Bridgeport
- 3- Shropshire
- 4- Wheelcock
- 5- Historia Religionis Veterum Persarum

زیچ الیغ بیگک به چاپ رسید.

مقداری از اطلاعات مندرج در کتاب ادیان باستانی ایران به شدت مورد انتقاد محقق و خاورشناس فرانسوی انک تیل دوپرون^۱ قرار گرفت. اساس استدلال دوپرون آن بود که تاماس هاید اطلاعات خود را صرفاً از نویسندگان دوره اسلامی مانند حمزه اصفهانی، طبری و مانند آنها گرفته و رنج دیدن منابع پهلوی را بر خود هموار ن ساخته است. گرچه استدلال انک تیل دوپرون درست بود لکن کتاب تاماس هاید بزودی از مهمترین مراجع درباره این موضوع شد. هاید را از آن نظر نخستین مروج و معرف غزل‌های حافظ می‌دانیم که نخستین غزل دیوان با مطلع:

الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

را به زبان لاتینی گردانید. دانسته نیست که هاید این ترجمه را کی و کجا کرده است زیرا متن لاتینی غزل یاد شده درست شصت و چهار سال پس از مرگ وی (به سال ۱۷۶۷ میلادی) چاپ و منتشر گردیده است و از این رو چهار سالی مقدم بر ترجمه‌های غزلیاتی است که کنت رویج کی به لاتینی برگردانید.

بدنبال رویج کی و جونز که به تفصیل از وی یاد کرده ایم نوبت به جان ریچاردسون^۲ می‌رسد. ریچاردسون به سال ۱۷۴۱ م. (۱۱۵۴ ه. ق.) در شهر ادنبرگ از خانواده‌ای اسکاتلندی به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی وی را به دانشگاه آگسفورد فرستادند و در ۱۷۷۵ م.

1- Anquetil Duperron

2- John Richardson

که سی و چهار ساله بود فارغ التحصیل شد. سپس وارد رشته حقوق قضائی گردید و تازم با به آستانه چهل سالگی نهاده بود که درسلك وکلای دعاوی در آمد. نخستین اثر جان ریچاردسون که یادگار آخرین ایام دوران تحصیل وی در اگسفورد است نمونه‌ای از اشعار فارسی^۱ عنوان دارد. این مجموعه که ابتدا در سال ۱۷۷۴ میلادی منتشر شد نام جان ریچاردسون را نقل مجالس و محافل ادبی انگلستان کرد. کتاب دیگر وی که واژه نامه، فارسی عربی و انگلیسی بود به سال ۱۷۷۷ م. منتشر گردید.

ریچاردسون مؤلف این نخستین واژه نامه بزرگ و مفصل فارسی-انگلیسی به پیروی از رویچ کی و جونز، چندغزلی را که از حافظ ترجمه کرده بود به سال ۱۷۷۴ میلادی (۱۱۸۸ ه. ق.) در مجموعه‌اش زیر عنوان نمونه‌ای از اشعار فارسی انتشار داد. * (۱) در مقدمه این مجموعه اشعار، جان ریچاردسون دین اخلاقی خود را نسبت به کنت رویچ کی ادا می‌کند و خستو شده است که منبع الهام وی در گردانیدن کلمات و افکار خواجه حافظ شیرازی به زبان انگلیسی، همانا ترجمه لاتینی غزل‌های رویچ کی بوده است. در همین مقدمه جامع و فاضلانه، ریچاردسون برای هم میهنان خود شرح می‌دهد که علت حرمتی که مردم ایران به حافظ می‌گذارند « بلندی و گوناگونی افکار، نازک بینی و روشنی احساس و روانی طبع و بیان شاعر» است. سپس وی به دشواری درک معانی حافظ و اختلافی که میان دانشمندان بر سر معانی صوری و مجازی وی وجود دارد اشاره می‌کند و سرانجام امیدوار است که مردم تحصیل کرده انگلیس به فرا گرفتن زبان و بهره وری از دریای بیکران ادبیات فارسی رغبت کنند. * (۲)

جان ریچاردسون در کتاب نمونه‌ای از اشعار فارسی ابتدا متن فارسی چندین غزل از دیوان حافظ را به همراهی ترجمه‌های آنها می‌آورد و سپس يك يك واژه‌ها و تعبیرها و کنایه‌ها و استعاره‌ها را شرح می‌دهد. اگر شخص به‌دقت در ترجمه‌های ریچاردسون بنگرد به خوبی متوجه می‌شود که چگونه افکار و عقاید سر ویلیام جونز آن پژوهشگر گرانمایه در سبک و طرز ترجمه این يك مؤثر اقتاده است چه ریچاردسون اولاً به هیچ رو پا بند لفظ نشده و ترجمه انگلیسی را نسخه بدل اصل فارسی نکرده است: ثانیاً همه جا معانی را درك و در ترجمه رعایت کرده است و ثالثاً افکار و مضمون‌های حافظ را به قالب شعر منظومی ریخته است که موافق فهم و سلیقه مردم انگلیس و مطابق با سبک و اسلوب سراینندگان عهد بوده است. مثلاً وی دو بیت نخستین غزل را بدین سان به شعر انگلیسی درآورده است:

Fill, fill the cup with sparkling wine,
deep let me drink the juice divine,
To soothe my tortured heart :
For love, who seem'd at first so mild
So gently look'd, so gaily smiled,
Here deep has plunged the dart .

When, Sweeter than the damask rose
From Leila locks the Zephyr blows
How glows my keen desire !
I chide the wanton gale's delay .

I'm jealous of his am'rous play
And all my Soul's on fire !

ویا نمونه‌ای دیگر از همان غزل :

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل
کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها

The Darkness of the night and the fear of the
Waves and Whirlpool are so dreadful
How can they know our Situation the
Bearers of light burdens of the shore ?

که اگر ترجمهٔ اول را با اصل فارسی برابر نهم دقت، امانت،
اسلوب و طرزکار جان ریچارد سون هویداست. اصل آن دو بیت از این
قرار است :

الا یا ایها الساقی، ادرکاسا و ناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکله
به بوی ناهای کاخر صبا زان طره بگشاید

ز تاب زلف مشکینش چه خون افتاد در دلها

یازده سال پس از انتشار نمونه‌ای از اشعار فارسی جان ریچارد
سون در ۱۷۸۵ م. ترجمه چند غزل حافظ در یکی از مجلات ادبی چاپ
کلکته موسوم به گلچین آسیائی^۱ (جلد اول) اثر طبع دانشمندی
تاماس لاویک^۲ سال بعد در همان مجموعه (جلد دوم) چند غزل دیگری

1- Asiatick Miscellany

2- Thomas Law

بهامضای مستعار ه. ه. به چاپ رسید. اما چاپ و انتشار مجموعه
مستقلی از اشعار حافظ به سال ۱۷۸۷ م. (اواخر ۱۲۰۱ ه. ق.) اتفاق
افتاد و این افتخار نصیب مردی به نام جان نات^۲ گردید. جان نات که
در ۱۷۵۱ به دنیا آمد و به سن هفتاد و چهار در ۱۸۲۵ م. درگذشت
مجموعهٔ اشعار خود را زیر عنوان غزلهای برگزیده‌ای از شاعر ایرانی،
حافظ^۳ در صد و سی و یک صفحه در لندن منتشر کرد. وی تعلق به یکی
از خانواده‌های آلمانی داشت که از ریزه خواران سفره جورج سوم
پادشاه انگلیس بودند. جان نات پس از تحصیلات ابتدائی دنبال طب
رفت و جراحی آموخت و سرانجام به خدمت شرکت هند شرقی درآمد.
شرکت یاد شده جان نات را چندی به مأموریت به چین فرستاد. در
بازگشت وی چندی نیز در خود هندوستان اقامت گزید و هنگام انجام
وظیفه از راه تفنن فارسی آموخت و با اشعار دیوان حافظ آشنا شد.
جان نات علاوه بر ترجمه غزلهای دیوان حافظ بسیاری از منظومه‌های
شعراي مشهور یونان و روم را به انگلیسی برگردانید و مورد توجه
شعراي بزرگ عهد خویش بود.

از جان نات که بگذریم در سیاهه نام مترجمان مشهور دیوان
حافظ به جان هادون هیندلی^۴ می‌رسیم که در سال ۱۸۰۰ میلادی
مجموعه‌ای زیر عنوان غزلهای فارسی یا منظومه‌های پراکنده‌ای از

1- H. H.

2- John Nott

3- Selected odes from the Persian poet Hafcz

4- John Haddon Hindley

دیوان حافظ^۱ را منتشر ساخت اما منظومه‌های وی چندان مورد توجه ارباب ذوق قرار نگرفت. از زمان انتشار مجموعه غزلهای فارسی جان هدون هیندلی تا انتشار مجموعه نسبتاً بزرگ بعدی که به نام هرمان بیکنل^۲ به چاپ رسید هفتاد و پنج سال فاصله بود چه مجموعه اشعار بیکنل زیر عنوان حافظ شیرازی پس از مرگش به سال ۱۸۷۵ م. انتشار یافت و طرفداران فراوان پیدا کرد. این مجموعه مشتمل بر ترجمه یکصد و هشتاد و نه غزل است که هر بیتی از ترجمه بیکنل با اصل غزل حافظ مطابقت دارد و هر بیتی مرکب از دو مصراع موزون و مقفی است.

دو سال پس از انتشار ترجمه‌های هرمان بیکنل در ۱۸۷۷ م. ادوارد هنری پالمر^۳ نیز مجموعه‌ای زیر عنوان آوای نی^۴ منتشر ساخت. هنری پالمر که فارسی و عربی را در کمبریج آموخت پاره‌ای از غزلهای حافظ را برگزید و بدون توجه زیادی به اصل آنها را به قالب نظم انگلیسی کشید. پالمر از دو تن دیگر از شعرای ایران انوری و فردوسی نیز قطعاتی ترجمه کرده است و ما درجائی دیگر از وی سخن خواهیم گفت. چهار سال پس از انتشار ترجمه‌های ادوارد هنری پالمر یکی از محققان انگلیسی در هندوستان به فکر تدوین و چاپ نسبتاً صحیحی از دیوان خواجه برآمد. وی دبلیو. س. جارت^۵ نام داشت

1- Persian Lyrics or scattered poems from Diwan_i-

Hafiz 2- Hermann Bicknell

3- Edward Henry palmer

4- The Song of the Reed & Other Pieces

5- W. S. Jarrett

و دیوان چاپ شده در کلکته نیز به تسامح دیوان جارت نامیده می‌شود. * (۳) پردور نیست که چاپ این دیوان کلنل ویلبر فورس کلارک^۱ را به ترجمه منشور دیوان حافظ واداشته باشد. ویلبر فورس کلارک در ۱۸۹۱ م. همه دیوان را چنان که جارت در کلکته به چاپ رسانیده بود به نثر ترجمه کرد و همراه توضیحات و حواشی مفصلی انتشار داد. نثر ویلبر فورس کلارک سنگین است و در این ترجمه وی به قدری دچار تعقید شده و بدام لفاظی افتاده است که مسلماً خواننده را کسل می‌سازد و دیگر امروزه جز کسی که کارش نقد دیوان حافظ و یا مقایسه میان ترجمه‌های مختلف غزلهای حافظ باشد از آن طرفی نخواهد بست.

به دنبال ترجمه منشور کلنل ویلبر فورس کلارک، به ترجمه منظوم و آزاد جوس تین هانتلی مکاری^۲ می‌رسیم که در ۱۸۹۳ م. یعنی دو سال پس از ترجمه ویلبر فورس کلارک منتشر گردید. مکاری مجموعه ترجمه‌های خود را غزلهائی از دیوان حافظ^۳ نام داده است. امروزه پس از ترجمه‌های بمراتب دقیق‌تر و زیباتری از حافظ دیگر کسی به ترجمه‌های جوس تین مکاری اعتنائی نمی‌کند؛ اما حق آن است که نام وی را در عداد پیشگامان بگذاریم چه ترجمه وی یکی از عواملی بود که خانم گرتروود بل^۴ را به خواندن و ترجمه پاره‌ای از غزلیات خواجه

1- Colonel Wilberforce Clarke

2- Justin Huntly Mccarthy

3- Ghazels from the Divan of Hafiz

4- Gertrude Bell

ترغیب کرد.

گرترود لوئیان بل^۱ که در تاریخ چهاردهم ژوئیه سال ۱۸۶۸ میلادی در شهرستان دارام^۲ واقع در نواحی شمالی انگلستان بدنیا آمد نه تنها برای ترجمه پاره‌ای از غزل‌های حافظ شهرت دارد بلکه او را به واسطه مسافرتهایش در دنیای عرب‌زبان و پژوهش‌هایش درباره‌ی خاورمیانه می‌ستایند. تاکنون در باره‌ی این زن با قریحه و دانشمند، مانند بسیاری از خاورشناسان بنام، کتابی نوشته نشده است و هر دانش‌پژوهی که بخواهد زندگی نامه‌ی گرترود بل را بنویسد ناگزیر است به مجموعه‌ی نامه‌های خصوصی وی نظر افکند، هم‌چنان‌که دنیسون راس در نوشتن شرح حال مختصر گرترود بل چنین کرده است. * (۴) از نامه‌های یاد شده چنین برمی‌آید که بر اثر تصادفی گرترود به همراهی زن عمویش که همسر وزیر مختار انگلیس در تهران سرفرانک لاسلز^۳ بود به پایتخت ایران آمد و به احتمال زیادی در بهار ۱۸۹۲ م. در تهران شروع به فراگرفتن زبان فارسی کرد. البته گرترود مدت کوتاهی در انگلستان مقدمات زبان فارسی را فراگرفته بود زیرا طبق ادعای خودش به کوشش لرد استانیلی^۴ و آرتور استرانگ^۵ با الفباء قواعد دستور زبان، و نام شعرای ایران آشنا گردید. و نیز به گفته خود گرترود بل در ایران آموزش‌گارش ملائی دستار برس « با چشمانی درخشنده و دستاری سفید و اندک اطلاعی از زبان فرانسه » بود.

1- Gertrude Lowthian Bell

2- Durham

3- Sir Frank Lascelles

4- Lord Stanley

5- Arthur Strong

در سال ۱۸۹۷ میلادی گرترود ترجمه سی غزل از غزل‌های حافظ را پس از مشورت با معلم شعر دوست و دانشمندش آرتور استرانگ به چاپ رسانید. بر روی هم گرترود بل چهل و سه غزل را به انگلیسی ترجمه کرده است که مجموع آنها را در چاپ جدید کتابش (۱۹۲۸) می‌توان دید. چنان‌که از مقدمه خود مترجم بر نخستین چاپ غزلیات برمی‌آید، احاطه و تسلط این زن بر رموز و دقایق ادبیات ایران، اشعار خواجه و منظومه‌های عرفانی شعرای فارسی زبان شگفت‌آور است، به ویژه اگر در نظر آوریم که گرترود بل تحصیل‌زبان فارسی را در بیست و سه سالگی، آن هم نه در مدرسه بلکه در چهار دیواری خانه آغاز کرد. چگونه آن زن جوان توانست در خلال مدت کوتاهی که مسلماً از پنج سال تجاوز نکرد نه فقط بر زبان فارسی تسلط پیدا کند بلکه به رموز و دقایق اشعار خواجه حافظ پی برد، معمائی است که بر محقق پوشیده است. اگر کسی سخن ما را در این باره اغراق‌پندارد بهتر است به مقدمه‌ای که گرترود بل درباره‌ی ممدوحان حافظ و جزئیات زندگی فرمانروایان شیراز و آل مظفر نوشته است رجوع کند. در عهدی که هنوز درباره پادشاهان معاصر حافظ به فارسی مطلبی پیدا نمی‌شد، نمی‌دانیم گرترود بل این همه مطالب موثق را از کجا آورده است. شاید بررسی دقیق‌تر نامه‌هایی که آن زن دانشمند از خاورمیانه به‌لیدی بل نوشته * (۵) و یا در حاشیه کتابهایی که پس از مرگ به‌دانشکده آرمسترانگ^۱ در شهر نیو کاسل توسط خواهرش لیدی ریچموند^۲ بخشیده شده است گره از این مشکل

1- Armstrong College

2- Lady Richmond

بگشاید . اما درباره اصالت و لطف ترجمه‌های گرترو دبل بهتر از سخنان بزرگ‌ترین پژوهشگر ایران شناس ، شادروان ادوارد براون ، شاهد و رأی متقنی نداریم . براون در باره ترجمه‌های منظوم گرترو دبل که بهترین نمونه ترجمه آزاد و منظوم به زبان انگلیسی است چنین می‌نویسد :

تا آن جا که پای روح و جوهر اشعار حافظ در میان باشد ترجمه‌غزلیهای گرترو دبل را باید به مراتب از ترجمه‌های دیگران به‌اصل نزدیک‌تر دانست . . . چه این زن توانسته است جوهر معانی واقعی اشعار حافظ را به طرز شگفت‌آسا به حلیه زبان انگلیسی آراسته سازد . . . اشعار گرترو دبل ترجمان حقیقی اصل است و اگر ترجمه ادوارد فیتزجرالد را از رباعیات حکیم عمر خیام کاری استثنائی بشمریم شاید بتوان گفت که تا کنون هیچ‌کس نتوانسته است اشعار سخن سرایان ایران را مانند گرترو دبل به‌قالب زیباترین و شاعرانه‌ترین کلمات و استعارات زبان انگلیسی درآورد . * (۶)

گرترو دبل پاره‌ای از دشواریهای خویش را درباره ترجمه حافظ و نظر خود را درباره مناظر و مریایای ایران و پیرامون شهرها و اخلاق ایرانیان در کتاب مشهورش زیر عنوان سفرنامه ، تصویرهایی از ایران آورده است که در لندن به‌سال ۱۸۹۴ میلادی منتشر شده است . هنگام انتشار این کتاب گرترو دبل بیست و شش ساله از درج نام خویش بر پشت جلد آن خودداری ورزید و چندی حتی نزدیک‌ترین دوستانش نمی‌دانستند که نویسنده سفرنامه که بوده است . بهر تقدیر با آن که ترجمه گرترو دبل

را بهترین ترجمه‌ها می‌دانیم باید خاطر نشان سازیم که در میان حواشی و توضیحات فراوان این زن دانشمند به پاره‌ای از نکات در باره تصوف ، شریعت و مسائل دینی بر می‌خوریم که مشکوک و مردود است و بر سبیل داوری نهائی می‌گوئیم که گرترو دبل پایه‌میدانی نهاده است که دانشمندانی به‌مراتب کلان‌تر از او لنگ و حیران مانده‌اند . * (۷)

گرترو دبل عربی را روان صحبت می‌کرد و شاید به‌همان اندازه که با ادبیات فارسی آشنائی داشت با آثار شعرای عرب زبان نیز آشنا بود . دنیسون راس در باره عشق شگفت‌انگیز گرترو دبل به اشعار متنبی شاعر عرب داستانی دارد که ذکر آن را در این جا بی‌مناسبت نمی‌دانیم . راس می‌نویسد :

از کلکنه گرترو دبل عازم برمه شد . روزی از او تلگرافی بدستم رسید از شهر رانگون که از خواندن آن دچار حیرت شدم . تلگراف به این مضمون بود : خواهشمندم مصراع اول این شعر «و خیر جلیس فی الزمان کتاب» را برایم مخابره کنید . خوشبختانه مصراع قبلی شعر متنبی بخاطر م بود و بیت را تکمیل کردم . * (۸)

در ۱۸۹۸ میلادی (۱۳۱۶ ه . ق .) يك سال پس از آن که گرترو دبل ترجمه سی‌غزل از غزلیهای حافظ را منتشر ساخته بود مجموعه دیگری از ترجمه ۲۸ غزل به‌همت دانشمندی والتر لیف^۱ نام در لندن به چاپ رسید . لیف از ادیبان و شعر دوستان عهد خویش بود ، در ادبیات یونان باستان تبحر داشت و برای گردآیندن پاره‌ای از دشوارترین و نغزترین اشعار تغزلی و حماسی هومر ، حماسه سرای یونانی به‌زبان انگلیسی ، در

محافل ادبی شهرت یافته بود. لیف به سال ۱۸۵۲ میلادی در دامان خانواده‌ای که به کار خرید و فروش ابریشم سرگرم بودند، در شهر لندن چشم به جهان گشود. پدرش بازرگان روزبه و ثروتمندی بود و پسر را به یکی از اعیانی‌ترین مدارس حومه لندن، دبیرستان مشهور «هر و فرستاد». والتر لیف در ادبیات کلاسیک یعنی یونان و روم تخصص یافت و به حدی زیرک و با قریحه بود که از شاگردان ممتاز مدرسه گردید. سپس وی تحصیلات خویش را در کمبریج تکمیل کرد و به صف اساتید وارد شد؛ اما بیماری پدرش او را از کارهای دانشگاهی باز داشت؛ و لیف نیز مانند پدر مجبور شد به خرید و فروش ابریشم دلخوش باشد.

آغاز آشنائی والتر لیف با غزل‌های حافظ دیدن ترجمه‌های تاماس هاید، کنت رویچ کی، جان ریچاردسون و گرتروود بل بود. رغبت و گرایش شدید به خواندن و درک معانی غزل‌های حافظ لیف را به فرا گرفتن قواعد دستور زبان فارسی و خواندن اشعار سایر سخن‌سرایان ایران تشویق کرد. لیف معتقد بود که هر کس راغب به خواندن غزل‌های حافظ واقعی باشد نمی‌تواند به آن چه ترجمه شده است اکتفا کند زیرا عاملی که طالب را برای بوئیدن عطر گلزارهای خاورزمین و شنیدن نغمه‌های بلبلان سرمست و تجسم لاله‌های آتشین و نوشیدن شرابهای گردافکن و دیدن گیسوان قیرگون یارآمدگی می‌بخشد نیروی تخیل است. به نظر والتر لیف هیچ کدام از ترجمه‌هایی که به زبان انگلیسی شده بود حتی ترجمه‌های گرتروود بل مانند اصل شعر حافظ حس شنوائی را

خوش نمی‌آمد و واژه‌های خشک و خالی از موسیقی زبان انگلیسی هرگز نمی‌توانست زیبایی و وزن شعر حافظ را به گوش بیگانه منتقل سازد. * (۹) اگر به دیده تحقیق در نوشته‌های والتر لیف بنگریم حق را به جانب وی می‌دهیم چه موسیقی کلام، وزن عروضی، زیبایی و آهنگ واژه‌ها و ظرافت تعابیر شاعرانه سخنوران ایران، به ویژه در شعر حافظ که ما ایرانیان همواره او را «شیرین سخن» خوانده‌ایم از اجزاء اصلی و اساسی شعر است و این همه ترجمه ناشدنی است. به همین جهات و دلایل بود که والتر لیف در صدد برآمد طرحی دیگر افکند و گامی در راه شناسائی رابطه میان روح شاعر و کیفیت سخنان حافظ، میان مفهوم واقعی شعر حافظ و عواملی که بدان شکل می‌بخشد بردارد.

ممکن است بگویند که والتر لیف در این مورد فلسفه بافی کرده است و شاید هم پرخطا نگفته باشند؛ اما نکته در این جاست که لیف پس از کوشش نامورانی چون تاماس هاید، رویچ کی، ویلیام جونز، جان ریچاردسون و گرتروود بل کاری بس شجاعانه کرد و توانست بر روی هم بیست و هشت غزل را به قالب نظم انگلیسی درآورد. این غزلها هر چند تا اندازه‌ای از لطف و زیبایی ترجمه‌های گرتروود بل بی بهره است اما به نظر ما کوشش لیف را باید نخستین اقدام اصولی صحیحی در راه ترجمه غزل‌های حافظ به سخن منظوم انگلیسی دانست. اقدام والتر لیف از آن نظر جالب است که ترجمه وی در اوزان عروضی از اشعار حافظ پیروی می‌کند و همه بیت‌های هر غزل مانند ابیات هر غزل موزون و مقفی است. برای نمونه این بیت از غزل شماره ۳۹۲ حافظ را درج می‌کنیم: * (۱۰)

دانی که چیست دولت ؟ دیدار یار دیدن :

در کوی او گدائی بر خسروی گزیدن !

Say, where is rapture's Vision ? Eyes on
the Loved One bending,
More high than Kingly splendour, Love's
fane as bedesman tending .

در آغاز سده بیستم میلادی جان پین^۱ متولد به سال ۱۸۴۲ م . و درگذشته به سال ۱۹۱۶ م . به انتشار مجموعه‌های درسه مجلد زیر عنوان اشعار شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی^۲ دست زد که حاوی ترجمه منظوم همه غزل‌های حافظ بود . جان پین تعلق به انجمن ادبی و یون^۳ داشت و انجمن مزبور را از آن جهت و یون نامیده بودند که محفلی از برای گردهم آئی دوستداران اشعار سخن‌سرای فرانسوی فرانسوا و یون^۴ بود . سر حلقه اعضای انجمن، جان پین که استعداد شگرفی برای فرا گرفتن زبان‌های خارجی داشت خودش اشعار فرانسوا و یون را به زبان انگلیسی برگردانیده و ضمناً کتاب دکامرون^۵ اثر بوکاجیو^۶، مجموعه‌های اشعار باندللو^۷ و هاینه^۸ شاعر آلمانی و داستانه‌های هزار و یکشب را نیز ترجمه کرده بود .

1- John Payne

2- Poems of Shamseddin Mohammed, Hafiz of Shiraz

3- Villon Society

4- Francois Villon

5- Decameron

6- Boccaccio

7- Bandello

8- Heine

ترجمه دیوان حافظ که به سال ۱۹۰۱ میلادی در سه مجلد بزرگ برای اعضای انجمن و یون منتشر گردید و سپس شهرتی همه جا گیر پیدا کرد از دو نظر جالب است : نخست آن که جان پین به کار بی سابقه‌ای دست زده بود و برای نخستین بار عاشقان اشعار حافظ به ترجمه همه غزل‌های دیوان دسترسی پیدا کرده بودند و چنان که مترجم خود در زیر عنوان کتابش مدعی شده بود «این نخستین مجموعه کامل دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی است که به پیروی از سبک اصلی شاعر از فارسی به سخن منظوم انگلیسی گردانیده شده است .» دوم آن که پین تنها کسی است که از والتر لیف و روش وی تقلید، و وزن و طرح اصلی غزل حافظ را به زبان انگلیسی نقل کرده است . برای آن که نمونه‌ای از سبک و طرز کار والتر لیف بدست دهیم ترجمه دو بیت اول از نخستین غزل دیوان را می‌آوریم تا مقایسه این سبک با دیگر سبکها آسان باشد .

1) Ho there, Skinker! Fill the wine-cup; Pour and
Pass me as well !
First Love's way showed light; but after Lets
and hindrances befell .

2) Waiting till the East wind loosen Frangrance from
the loved one's tress .

And her, musky curling browlocks, How the hearts
with blood did swell .

با وجود آن که جان پین همه غزل‌های حافظ را ترجمه کرده و سالها متحمل مرارت شده بود رنجش بیهوده ماند و ترجمه وی خریداری

پیدا نکرد. پروفیسور آربری این شکست جان پین را معلول هستی کلام، ضعف سخن و تقلید بدوی از سخنان حافظ^۱ می‌داند * (۱۱) و چنین نتیجه می‌گیرد که ترجمه جان پین خود گواه بارزی بر نادرست بودن شیوه‌ای است که پین از والتر لیف آموخته بود و دیگر امکان ندارد کسی از این شیوه غلط پیروی کند. شاید حق به‌جانب پروفیسور آربری باشد زیرا طبع، ذوق و گوشه‌ای که صدها سال با اوزان هجائی خو گرفته‌است دشوار است بتواند با اوزان عروضی دشوار و بحر زخاری چون بحر مختلف الارکان عروض فارسی انس بگیرد، و قطعه شعری را که بیشتر از دو یاسه بیت آن دارای قافیه واحدی باشد بپذیرد یا لطیف و دلچسب بداند.

چهار سال پس از جان پین نوبت به ریچارد لوگالی^۱ رسید که طبع خود را بیازماید و به نعره هم آورد طلبی حافظ پاسخ گوید. ریچارد لوگالی بن به سال ۱۹۰۵ میلادی مجموعه‌ای را که حاوی ترجمه انگلیسی یکصد غزل حافظ بود در انگلستان منتشر ساخت. در مقدمه شیوائی که از کلاک شیرین آن مترجم درستکار و راستگوی تراوش کرده‌است چنین می‌خوانیم که وی بیش از همه به دشواری کار ترجمه واقف بود، هرگز ادعا نمی‌کرد که زبان فارسی می‌داند، و تازه اگر ده‌ها سال هم به‌فرگرتن زبان فارسی می‌پرداخت هرگز نمی‌توانست از رموز دیوان خواجه حافظ زیاده‌تر از ویلیام فورس کالارک و یا جان پین بهره‌گیرد. ریچارد لوگالی بن در ۱۸۶۶ میلادی در شهر لیورپول^۲ بدنیا آمد و در دانشکده همان شهر تحصیلات عالی خویش را تکمیل کرد. پس از آن که وی مدتی با

1- Richard Le Gallienne

2- Liverpool

یکی از حسابداران مشهور کار کرد و تجربه اندوخت به شغل حسابداری پشت پا زد و منقد هنری روزنامه استار^۱ شد. در حالی که لوگالی بن از راه نوشتن مقالات برای نشریه یاد شده گذران می‌کرد به سرآیندن شعر و نوشتن رسالاتی انتقادی سرگرم بود. با آن که وی در زمینه‌های گوناگون چیز نوشته‌است اما شهرتش مدیون ترجمه اشعار حکیم عمر خیام و غزلهای حافظ است. لوگالی بن در ۱۹۴۷ به سن هشتاد و یک درگذشت. سبک لوگالی بن در ترجمه غزلهای حافظ با سبک بسیاری از مترجمانی که پیش از وی گام درین راه نهادند تفاوت فاحشی دارد. وی در ترجمه یکصد غزل حافظ کوشیده‌است تا از هر گونه نقل معانی تحت اللفظی خودداری ورزد و فقط شعر حافظ یا مفهومی را که وی از غزل فارسی در ذهن داشته‌است به منظومه هجائی زبان انگلیسی درآورد. در مقدمه ترجمه غزلهای حافظ لوگالی بن می‌گوید که قرنهاي متمادی غزلهای حافظ در ایران یکی از دلنشین‌ترین آثار ادبی بشمار رفته‌است. اکنون اگر مترجمی بیاید و آن غزلها را مانند منظومه‌های شاعری انگلیسی زبان، و نه مانند بیگانه‌ای که از ادای مقصود به کمک واژه‌های فارسی عاجز باشد، عرضه دارد در آن صورت چنین ترجمانی خدمت واقعی را به حافظ و ادبیات ایران انجام داده‌است.

به نظر لوگالی بن هیچ ترجمه‌ای، هر قدر هم درست و ادیبانه باشد به پیشیزی نمی‌ارزد مگر آن که دست کم لختی از شیرینی اصل را حفظ کرده باشد، و به خواننده بیگانه منتقل سازد و به همین سبب وی از خوانندگان خود می‌پرسد: آیا درست است که آن چه سده‌ها مایه تلذذ

1- Star

2- Odes From the Divan of Hafiz